

تشدید توان تسلیحاتی کشورها

علی‌همان اقبالی زارچ
دپلمات سابق

جهان ناآرام و متغیر در دهه سوم هزاره سوم تغییرات مهم ژئوپلیتیک و ژئواکونومیکی در مناطق مختلف به‌ویژه محور اوراسیا و خاورمیانه را شاهد است که در بین بحران های نظامی و امنیتی موجود منازعه مرموز اوکراین و تداوم نسل‌کشی در غزه برجستگی خاصی دارد که تأثیرات فوق‌العاده‌های بر زندگی سیاسی، دفاعی کشورهای مختلف به‌ویژه در موضوع افزایش هزینه های نظامی و تشدید رقابت تسلیحاتی داشته است. در همین راستا پایتخت‌های اروپایی در مواجهه با منازعه اوکراین که سه سال پیش آغاز شد، قاطعانه به افزایش هزینه‌های نظامی متعهد شدند؛ خصوصاً که با اصرار و تهدید دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری منتخب آمریکا، که به کشورهایی که سرمایه‌گذاری بیشتری در تجهیزات نظامی انجام نمی‌دهند، کمک نخواهد کرد. این موضع گواه آن است که نقش دفاعی واشنگتن در قبال قاره کهن رو به افول است و کشورهای عقب‌مانده از تعهد مالی دفاعی را تحت فشار قرار داده است تا به وعده‌های خود عمل کنند. ۲۰۰۳ درصد برای حفظ بقای خود در تلاش هستند، البته طبق داده‌ها، بیشتر این بودجه به سمت جناح شرقی و منطقه مرزی با روسیه، کشورهای بالتیک و لهستان هدایت می‌شود. واشنگتن در تلاش است تا هزینه‌های دفاعی ناتو را از ۲ به ۵ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش دهد. مذاکرات در حال انجام است و دیپلمات‌های ناتو پیشنهاد می‌دهند که می‌توان به توافق در حدود ۱۰ یا ۲۰۵ دست یافت. اولف کریسترسون، نخست‌وزیر سوئد، در این زمینه گفت که هدف معمول برای هزینه‌های دفاعی می‌تواند ۱/۵ درصد تا ۳/۵ درصد باتوجه به وضعیت مناطق باشد؛ این مقام سوئدی همچنین افزود که بحث‌های مداومی در داخل ناتو در مورد تعیین اهداف برای دفاع مدنی، آمادگی و پشتیبانی از اوکراین در جریان است. ۳۲ عضو ناتو سال گذشته در مجموع ۱۰۳۳ تریلیون دلار برای امور دفاعی هزینه کردند که از پیش‌بینی‌ها فراتر رفته و ۲۲ عضو به هدف ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی رسیدند؛راقمی که حکایت از رکورد سطوح هزینه‌ها دارد. طبق آمار منتشر شده توسط این ائتلاف نظامی غربی نشان دهنده سطح بی‌سابقه‌ای از هزینه‌های اعضای آن است که در مجموع به ۴۶۸ میلیارد دلار در اروپا و کانادا می‌رسد و ۳۸ درصد آن برای خرید تجهیزات اصلی بوده است. همچنین ایالات متحد ۸۱۸ میلیارد دلار را به خود اختصاص داده است. طبق این سند، در سال قبل، یعنی ۲۰۲۳، اعضای ناتو ۲۰۰ میلیارد دلار کمتر برای امور دفاعی هزینه کردند که نشان‌دهنده افزایش ۱۹ درصدی است. برآوردهای اولیه منتشر شده در ابتدای سال، این بود که ۲۳ کشور به این هدف دست خواهند یافت، اما موته‌نگرو نتوانست به این هدف دست یابد. موسسه بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم در آخرین گزارش خود اعلام کرد هزینه‌های نظامی جهانی در سال ۲۰۲۴ به دلیل جنگ‌ها و درگیری‌های مسلحانه جاری در کره زمین، بیشترین افزایش را از زمان پایان جنگ سرد ثبت کرده و به ۲.۷ تریلیون دلار رسیده است. همچنین این گزارش تأکید می‌کند که بیش از ۱۰۰ کشور در سال گذشته بودجه دفاعی خود را افزایش داده‌اند. اروپا، از جمله روسیه، مناطقی با بالاترین هزینه‌های نظامی است که میزان آن ۱۷ درصد افزایش به ۶۹۳ میلیارد دلار رسیده است. بودجه نظامی اوکراین، کشوری که مورد تهاجم روسیه قرار گرفته، ۲.۹ درصد افزایش یافته و به ۶۴.۷ میلیارد دلار رسیده است. اگرچه این تنها ۴۳ درصد از معادل منابع روسیه را نشان می‌دهد، کیف با اختصاص ۳۴ درصد از تولید ناخالص داخلی به امور دفاعی، بالاترین هزینه‌های نظامی را در جهان دارد. به‌طور کلی هزینه‌های نظامی آلمان با ۲۸ درصد افزایش به ۸۸.۵ میلیارد دلار رسیده و جایگاه هتد را در رتبه چهارم بدست آورده و برای اولین بار از زمان اتحاد مجدد، آلمان به بزرگترین تأمین‌کننده دفاعی در اروپای مرکزی و غربی تبدیل شده است. ایالات متحده، که بیشترین هزینه نظامی را در جهان دارد، بودجه خود را در سال ۲۰۲۴، ۵.۷ درصد افزایش داد و به ۹۹۷ میلیارد دلار یعنی ۳۷ درصد از هزینه‌های جهانی و ۶۶ درصد از هزینه‌های کشورهای عضو ناتو رسید. در خاورمیانه نیز روند به همین منوال است. از طرفی رژیم صهیونیستی اسرائیل به جنگ و جنایات خود در نوار غزه ادامه می‌دهد و طبق گزارش‌های منتشر شده، در سال ۲۰۲۴ هزینه‌های نظامی‌اش ۶۵ درصد افزایش یافته و به ۴۶.۵ میلیارد دلار رسیده که بزرگترین افزایش از زمان جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷ است. از سوی دیگر، بودجه ایران با کاهش ۱۰ درصدی به ۷.۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴ رسید. همزمان چین که در حال سرمایه‌گذاری در نوسازی نیروهای مسلح، گسترش قابلیت‌های جنگ سایبری و زرادخانه هسته‌ای خود است، پس از ایالات متحده در جایگاه دوم قرار دارد و اکنون نیمی از هزینه‌های نظامی در آسیا و اقیانوسیه را به خود اختصاص داده است. چین در سال ۲۰۲۴ بودجه نظامی خود را ۷ درصد افزایش داد و به ۳۱۴ میلیارد دلار رساند. در مجموع با جهانی بی‌ثبات توأمان با تغییرات سریع و غافلگیرکننده‌ای مواجه هستیم که بخشی از آن نشأت‌گرفته از نقش روزافزون دانش فنی بشری و بخش دیگر نتیجه سوداگری صاحبان صنایع و تجارت تسلیحاتی بوده و در نتیجه موجب تقویت جایگاه بخش دفاعی و امنیتی در ساختارهای حاکمیتی جهان شده که نوید دهنده آینده‌ای آکنده از صلح و آرامش در بشریت نیست.

زهرا نژادبهرام در گفت وگو با «آرمان ملی»:

پروژه فیلترینگ

در کشور شکست خورده است



فیلترینگ دلیل اصلی افزایش هکرها در سال‌های اخیر بوده است

فیلترینگ روی اخلاق جامعه تأثیر منفی گذاشته است

مردم به واسطه افزایش فیلترشکن‌ها در فضای مجازی احساس امنیت ندارند

آرمان ملی- احسان انصاری: در حالی که یکی از مهم‌ترین شعارهای انتخاباتی مسعود پزشکیان رفع فیلترینگ بود اما این اتفاق به شکل بسیار حد اقلی یعنی رفع واتس‌آپ و گوگل پلی رخ داده است. با این وجود محمدرضا عارف معاون اول رئیس‌جمهور به تازگی عنوان کرده که نظام تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز به نتیجه رفع فیلترینگ رسیده است. بدون تردید در صورتی که این اتفاق رخ بدهد پایگاه اجتماعی دولت نسبت به گذشته تقویت خواهد شد. «آرمان ملی» برای تحلیل وبررسی مهم‌ترین پیامدهای رفع فیلترینگ و آسیب‌های ادامه فیلترینگ با دکتر زهرا نژادبهرام استاد دانشگاه و عضو سابق شورای شهر تهران گفت‌وگو کرده است. نژادبهرام معتقد است: «مهم‌ترین پیامد مسدودسازی امنیت شبکه‌های اجتماعی است که پس از مسدودسازی با چالش مواجه شده است. هک شدن و دسترسی به اطلاعات برخی سازمان‌ها و نهادها در سال‌های اخیر یکی از پیامدهای مسدودسازی شبکه‌های اجتماعی بوده است. در واقع به همان شکل که مرزهای

معاون اول رئیس‌جمهور به تازگی عنوان کرده که نظام تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز به این نتیجه رسیده که رفع فیلترینگ انجام بدهد. این اتفاق چه تأثیری در پایگاه اجتماعی دولت و مطالبات عمومی جامعه دارد؟

امروز زندگی شهروندان ایرانی نیز مانند همه مردم مردم جهان به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی گره خورده و به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی آنها تبدیل شده است. به همین دلیل نمی‌توان این بخش از زندگی شهروندان را نادیده گرفت. در شرایط کنونی کلاس‌های آنلاین در مدارس، ارتباطات مالی و بانکی و سازمانی به وسیله اینترنت و شبکه‌های اجتماعی انجام می‌شود. حتی در وضعیت کنونی که کشور با ناترازی انرژی مواجه است و برخی از سازمان‌ها و ادارات کارکنان خود را به صورت دورکاری کرده‌اند اینترنت و شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی در ادامه روند سازمان‌ها و ادارات دارد. همه این اتفاقات نشان می‌دهد که دنیای جدیدی شکل گرفته که ایران نیز بخشی از این دنیای جدید به شمار می‌رود. در این دنیای جدید مسئولان در ایران تصمیم گرفته‌اند که شبکه‌های اجتماعی را فیلتر کنند. فیلتر مانند صافی می‌ماند که برخی مطالب از آن عبور می‌کند و برخی خیر. این در حالی است که در ایران آنچه رخ داده مسدودسازی است و نه فیلترینگ. در ایران به جای گزینش مطالب فضای مجازی آن را مسدود کرده و به صورت کلی همه آن شبکه اجتماعی را مسدود کرده‌اند.

چرا مدیران در ایران حتی از فیلتر هم عبور کرده و شبکه‌های اجتماعی را مسدود کرده‌اند؟ این اقدام چه پیامدهای اجتماعی به همراه دارد؟

مهم‌ترین پیامد مسدودسازی امنیت شبکه‌های اجتماعی است که پس از مسدودسازی با چالش مواجه شده است. هک شدن و دسترسی به اطلاعات برخی سازمان‌ها و نهادها در سال‌های اخیر یکی از پیامدهای مسدودسازی شبکه‌های اجتماعی بوده است. در واقع به همان شکل که مرزهای کشور نیاز به دفاع دارد مرزهای ارتباطی نیز نیاز به داشتن امنیت دارد که ما به وسیله مسدودسازی این امنیت را با چالش مواجه کرده‌ایم. در واقع استفاده از فیلترشکن شرایطی را برای هکرها به وجود می‌آورد که به راحتی بتوانند به اطلاعات فردی و با سازمانی دست پیدا کنند و از آن سوء استفاده کنند. بدون تردید ادامه این وضعیت باعث به خطر افتادن امنیت ملی می‌شود و هزینه‌های زیادی برای کشور دارد. براساس برخی آمارها نزدیک به ۸۴ درصد کاربران شبکه‌های اجتماعی در ایران از فیلترشکن استفاده می‌کنند و ۸۰ درصد کاربران عضو شبکه‌های اجتماعی هستند. نکته مهم اینکه در سال ۱۴۰۲ نزدیک به ۶۴ درصد از

فضاهای مرتبط با مواد مخدر و پورنوگرافی از جمله مسائلی است که با استفاده از فیلترشکن برای نسل جدید قابل دسترس شده و در واقع استفاده از فیلترشکن‌ها جامعه را با چالش‌های اخلاقی جدیدی مواجه کرده است



کشور نیاز به دفاع دارد مرزهای ارتباطی نیز نیاز به داشتن امنیت دارد که ما به وسیله مسدودسازی این امنیت را با چالش مواجه کرده‌ایم. در واقع استفاده از فیلترشکن شرایطی را برای هکرها به وجود می‌آورد که به راحتی بتوانند به اطلاعات فردی و با سازمانی دست پیدا کنند و از آن سوء استفاده کنند. بدون تردید ادامه این وضعیت باعث به خطر افتادن امنیت ملی می‌شود و هزینه‌های زیادی برای کشور دارد. براساس برخی آمارها نزدیک به ۸۴ درصد کاربران شبکه‌های اجتماعی در ایران از فیلترشکن استفاده می‌کنند و ۸۰ درصد کاربران عضو شبکه‌های اجتماعی هستند. نکته مهم اینکه در سال ۱۴۰۲ نزدیک به ۶۴ درصد از کسانی که از فیلترشکن استفاده می‌کنند گفته‌اند که از فیلترشکن استفاده نمی‌کرده‌اند. این در حالی است که پس از این سال که دامنه مسدودسازی افزایش پیدا کرد میزان استفاده از فیلترشکن‌ها در کشور افزایش پیدا کرده است». در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

فضاهای مرتبط با مواد مخدر و پورنوگرافی از جمله مسائلی است که با استفاده از فیلترشکن برای نسل جدید قابل دسترس شده است. در واقع استفاده از فیلترشکن‌ها جامعه را با چالش‌های اخلاقی جدیدی مواجه کرده است.

یعنی فیلترینگ روی اخلاق اجتماعی نیز تأثیر منفی گذاشته است؟

بله، این اتفاق رخ داده است. فیلترینگ باعث شده فضای مجازی با توجه به استفاده از فیلترشکن‌ها به یک فضای بدون کنترل و بدون مدیریت تغییر پیدا کند. اگر ما هزینه و انرژی که برای مسدودسازی صرف کردیم برای آموزش سواد رسانه‌های و آموزش خانواده‌ها برای استفاده از فضای مجازی استفاده می‌کردیم نتیجه بهتری نمی‌گرفتیم؟ به جای این کار ما با فیلترینگ حجم استفاده از فیلترشکن‌ها را افزایش دادیم که در نهایت به افزایش قدرت مافیایی فیلترشکن منجر شده است. در چنین شرایطی حجم گسترده مالی بدون نظارت و شفافیت در کشور جابه‌جا می‌شود که زمینه را برای سودجویی و سوء استفاده مالی به وجود می‌آورد. اتفاق دیگری که در مسدودسازی رخ داده مخدوش کردن آزادی بیان در شبکه‌های اجتماعی بوده است. فیلترینگ اگر چه یک تصمیم داخلی است اما به دلیل اینکه ایران در عرصه بین‌المللی تحریم است و به برخی تکنولوژی‌ها دسترسی ندارد ما در عرصه جهان با کاهش آموزش و دسترسی به منابع اطلاعاتی مواجه شده‌ایم. امروز کسی در ایران پاسخگوی این نیست که با توجه به فیلترینگی که صورت گرفته، نمی‌توانیم به برخی مقالات و تحقیقات علمی دسترسی داشته باشیم. در واقع ما هم از بیرون با محدودیت مواجه شده‌ایم و از هم درون خود را محدود کرده‌ایم. به همین دلیل معتقدم دولت باید رویکرد جدیدی در این زمینه در پیش بگیرد. وعده‌های انتخاباتی در کنار، تعهد به اقدام از اصلی‌ترین مسائلی است که می‌تواند تصویر دولت چهاردهم را برای مردم تبیین کند. در واقع طرح مطالبی چون اقداماتی در حال انجام است یا مذاکراتی صورت گرفته پاسخ به خواست عمومی و وعده رئیس‌جمهور نیست. انتظار تحقق وعده‌های انتخاباتی در خصوص فیلترینگ ضرورتی جدی است. از این رو تعلل در رفع فیلترینگ و اختلال در سرعت اینترنت نه تنها پیامدهای اقتصادی را بیشتر و جریان‌ناپذیر می‌کند بلکه بستری برای کاهش تعاملات اقتصادی در عرصه اقتصاد دیجیتال که امروزه بخش بزرگی از اقتصاد جهانی را به خود اختصاص داده می‌شود، به همین دلیل ضروری است مسئولان دولت خود به رفع فیلترینگ با توجه به خسارات ناشی از تداوم این امر اقدام لازم را به عمل آورند.

به نظر می‌رسد نوعی بلاتکلیفی در بین مسئولان در زمینه فیلترینگ وجود دارد و به رغم اینکه به پیامدهای فیلترینگ آگاهی دارند، اما به جای حل کردن مسائل ترجیح می‌دهند با این روش صورت مساله را پاک کنند

تلنگر

رمزگشایی از سفر پرحاشیه ترامپ

بازی قدرت
در نظم‌نویز ژئوپلیتیک

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، به مقصد سه شریک کلیدی آمریکا در خاورمیانه قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی سفر کرد. هنوز مشخص نیست که هدف اصلی او از این سفر چیست. شاید به دنبال بستن قراردادهای تسلیحاتی و جذب سرمایه‌گذاری در ایالات متحده باشد. شاید هم به دنبال منافع شخصی خود از طریق سرمایه‌گذاری‌های در کشورهای خلیج فارس در املاک ترامپ، صندوق‌های سرمایه‌گذاری و رمزارزها. فارن افزر مدعی شد؛ اما بسیاری امیدوارند و برخی نگرانند که او جاذبه‌هایی بزرگ‌تری در سر بپرواند. به‌ویژه به نظر می‌رسد که این سفر عمدتاً به ایران مربوط شود؛ کشوری که دولت ترامپ مذاکراتی درباره برنامه هسته‌ای‌اش با آن آغاز کرده است. با توجه به ماهیت متغیر دولت ترامپ و اختلافات داخلی میان مشاوران کلیدی‌اش، این سفر به همان اندازه که می‌تواند مقدمه‌ای برای توافق هسته‌ای باشد، ممکن است زمینه‌ساز رویارویی (ادعایی) با تهران تلقی شود.

هراس پادشاهی‌ها

رهبران کشورهای عربی خلیج فارس امیدوار به پیروزی دوباره ترامپ در انتخابات بودند. آن‌ها در دوره نخست ریاست‌جمهوری ترامپ وضعیت خوبی داشتند و علاقه چندانی به جو بایدن، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، نداشتند. هم همین امر در مورد بسیاری از مردم عادی این کشورها هم صادق بود که بایدن را مسئول تسهیل تخریب غزه توسط اسرائیل می‌دانستند. محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی که با نام اختصاری «MBS» هم شناخته می‌شود، هرگز بایدن را به‌خاطر «منغور» خواندن عربستان به دلیل ترور روزنامه‌نگار جمال خاشقجی نخواهد بخشید. بن سلمان در دوران بایدن روابط نزدیکی خود را با ترامپ و اطرافیان حفظ کرده بود و با وعده احتمال عادی‌سازی روابط با اسرائیل، بایدن را امیدوار نگه داشت؛ موضوعی که پیش از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ هدف اصلی دولت بایدن در منطقه بود. در حالی که در سایر حوزه‌ها تقریباً از خاورمیانه کناره‌گیری کرده بود. اما حالا، در صدمین روز از آغاز دولت دوم ترامپ، این رهبران سردرگم و نگران هستند. سیاست‌های ترامپ در خاورمیانه بسیار شبیه به سیاست‌های بایدن به نظر می‌رسد و این در حالی است که دولت جدید در سایر حوزه‌ها با سرعتی چشم‌گیر در حال بازسازی دولت فدرال و تغییر در ائتلاف‌های قبلی آمریکا است. سیاست‌های ترامپ در منطقه غزه و یمن - دو منطقه درگیر جنگ - در اصل نسخه‌هایی خشن‌تر و بی‌ملاحظه‌تر از سیاست‌های دولت بایدن هستند. شاید هم این بساطت چندان جای تعجب نداشته باشد. پس از زری کار آمدن بایدن در سال ۲۰۲۱، رئیس‌جمهوری وقت تقریباً تمام سیاست‌های ترامپ در خاورمیانه را ادامه داده، تمرکز بر گسترش توافق نامه‌های ابراهیم (فرایند عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و برخی کشورهای عربی)، عدم بازگشت به توافق هسته‌ای با ایران، بی‌توجهی به روند صلح اسرائیل-فلسطین و کنارگذاشتن حقوق بشر به‌عنوان اولویت؛ جایی که تفاوت میان این دو رئیس‌جمهور بیشتر مشهود است، در سبک و پیش‌بینی‌پذیری آن هاست. بایدن و تیمش قابل اعتماد و آشنا بودند. در حالی که رهبران منطقه می‌دانند ترامپ می‌تواند تاگهانی نظر خود را تغییر دهد. آن‌ها نگرانند که تعرفه‌های ترامپ رکودی جهانی ایجاد کند که به فروش نفت و کشتیرانی در دریای سرخ و کانال سوئز لطمه بزند. از پایان کمک‌های خارجی توسط ترامپ می‌ترسند، چون این اقدام می‌تواند کشورهای ماندارن را بی‌ثبات کند. اظهارات عجیب او درباره غزه پادشاهی‌ها را نگران کرده است. اما فراتر از همه، آن‌ها نمی‌دانند که آیا ترامپ واقعاً به دنبال دیپلماسی با ایران است یا فقط در حال چک کردن مراحل منتهی به رویارویی ادعایی با این کشور.

تاج‌کاخ سفید نشین

تصمیم ترامپ برای دیدار از ره سر قدرت اصلی خلیج فارس، نه فقط عربستان، به نظر می‌رسد تلاشی برای پیشگیری از ایجاد شکاف میان آن‌ها باشد. ترامپ امیدوار است قراردادی تسلیحاتی به ارزش ۱۰۰ میلیارد دلار با عربستان سعودی امضا کند و سرمایه‌گذاری‌های خارجی در اقتصاد آمریکا را تشویق نماید. دست‌کم سعودی‌ها مایل‌اند به عنوان شرکای اقتصادی دیده شوند؛ پس از انتخاب ترامپ، بن سلمان وعده سرمایه‌گذاری ۶۰۰ میلیارد دلاری در آمریکا را مطرح کرد. البته این وعده‌ها بیش از آنکه واقعیت داشته باشند، جنبه تبلیغاتی دارند؛ چرا که عربستان با کاهش قیمت نفت و چالش‌های اقتصادی داخلی روبه‌روست و به ندرت چنین وعده‌هایی را عملی می‌کند. ترامپ شاید در این سفر منافع شخصی خود را هم در نظر داشته باشد. به گزارش نیویورک تایمز، شرکت‌های وابسته به خانواده ترامپ میلیون‌ها دلار را معاملات با شرکت‌هایی که به دولت‌های امارات، قطر و عربستان مرتبط بوده‌اند، به دست آورده‌اند.